University of Sistan and Baluchestan

Journal of Historical Researches of Iran and Islam

Print ISSN: 2345 - 2099
Online ISSN: 2717 - 2953

Analyzing the impact of The Great Depression of 1929.AD On the Oil contract of 1933 AD/1312 A.H., relying on international relations and examining the Theory Model (Against Methodological Nationalism)

Robabe Motaghedi

Assistant Professor of the Archival Research Department of the Document Research Institute of the National Library and Archives of Iran.Tehran.Iran. *robabe.motaghedi@gmail.com*

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received: 21Octo2023

Received in revised form:9Febr2024

Accepted: 11Marc2024

Publishedonline:8April2024

Key word:

The impact of The Great Depression,
Oil Industry,
World crisis of 1929,
Contract of 1312,
Iran and England oil Company,
Methodological Nationalism.

ABSTRACT

With the global economic crisis of 1929, every country took a way out of this crisis. The government of Iran, which had started many infrastructural development programs years ago, witnessed a decrease in oil income and unemployment of workers at the same time as economic stagnation and a reduction in export and import income. Economic changes and reforms such as foreign trade monopoly, increasing taxes, reducing wages, etc. were an attempt to escape the crisis. One of these solutions was trying to amend the oil contract that was signed in 1306. It was in the government plans. What has been neglected in most historical research and historiography of the 1933/1312 contract is the connection and impact of world events, especially the effect of the crisis known as the Great Depression of 1929 on the quality and manner of concluding the contract. This research, using the method of historical analysis and relying on documents, newspapers and publications, has tried to investigate the impact of the world crisis of 1929 on the conclusion of the oil contract of 1312/1933 and shed light on the final achievements of the contract and its benefits for the workers of the oil industry. The research findings show that due to the pressure of the economic crisis and the shaky and unstable world economy, Reza Shah's government failed to complete the plan to change and amend the oil contract as expected. Under the influence of the problems of the global crisis on the country's domestic and foreign economy, he was forced to conclude a contract that many believed was a continuation of the Darcy contract. Although it was more beneficial for the workers of the oil industry than for the country's economy.

Cite this article: **Motaghedi ,Robabe** (2024). **Analyzing the impact of The Great Depression of 1929. On the oil contract of 1933 AD/1312 A.H., relying on international relations and examining the theory model (Against methodological Nationalism) .** Journal of Historical Researches of Iran and Islam, vol 18, No.34 Pages: 259-283.

DOI. 10.22111/JHR.2024.45845.3574

© The Author: **Robabe Motaghedi**
Publisher: University of Sistan and Baluchestan

پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام
شاپا چاپی: ۲۳۴۵-۲۰۹۹
شاپا الکترونیکی: ۲۷۱۷-۲۹۵۳

واکاوی تأثیر بحران رکود بزرگ جهانی ۱۹۲۹ م. بر قرارداد نفتی ۱۹۳۳ م./ ۱۳۱۲ ه.ش با تکیه‌بر روابط بین‌الملل و بررسی مدل نظریه علیه ملی‌گرایی روش‌شناختی

ربابه معتقدی

استادیار گروه تحقیقات آرشیوی پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی، تهران ، ایران robabe.motaghedi@gmail.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:۱۴۰۲/۰۷/۲۰

تاریخ بازنگری:۱۴۰۲/۱۱/۲۰

تاریخ پذیرش:۱۴۰۲/۱۲/۲۱

تاریخ انتشار:۱۴۰۳/۰۳/۱۵

واژه‌های کلیدی:

صنعت نفت،

بحران جهانی ۱۹۲۹م.،

قرارداد ۱۳۱۲،

شرکت نفت ایران و انگلیس،

ملی‌گرایی روش‌شناختی.

چکیده

با وقوع بحران اقتصاد جهانی در ۱۹۲۹، هر کشوری راهی برای برون‌رفت از این بحران را در پیش گرفت. حکومت ایران که برنامه‌های عمرانی زیربنایی بسیاری را از سال‌های پیش آغاز کرده بود، هم‌زمان با رکود و کاهش درآمد صادرات و واردات، شاهد کاهش درآمد نفتی و بیکاری کارگران نیز بود. تغییرات و اصلاحات اقتصادی همچون انحصار تجارت خارجی، افزودن مالیات‌ها، کاهش دستمزدها و... تلاشی برای برون‌رفت از بحران بود. یکی از این راهکارها تلاش برای اصلاح قرارداد نفتی بود که از ۱۳۰۶ ش. در برنامه‌های دولت قرارگرفته بود. آنچه در اغلب پژوهش‌های تاریخی و تاریخ‌نگاری قرارداد ۱۹۳۳/۱۳۱۲ مورد کم‌توجهی قرارگرفته است ارتباط و تأثیر رخدادهای جهانی و به‌ویژه اثر بحران مشهور به رکود بزرگ ۱۹۲۹ م در کیفیت و چگونگی انعقاد قرارداد موردنظر است. این پژوهش با استفاده از روش تحلیل تاریخی و با تکیه‌بر اسناد، روزنامه‌ها و نشریات کوشیده است تا تأثیر بحران جهانی سال ۱۹۲۹ بر انعقاد قرارداد نفتی ۱۳۱۲/۱۹۳۳ را بررسی و به دستاوردهای نهایی قرارداد و منافع آن برای کارگران صنعت نفت نوری بیفکند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حکومت رضاشاه به دلیل فشار بحران اقتصادی و متزلزل و بی‌ثبات بودن اقتصاد جهانی، موفق نشد برنامه تغییر و اصلاح قرارداد نفتی را چنان‌که انتظار داشت، به نتیجه برساند. تحت تأثیر مشکلات بحران جهانی بر اقتصاد داخلی و خارجی کشور، او ناچار به انعقاد قراردادی شد که به باور بسیاری، ادامه قرارداد دارسی بود. اگرچه برای کارگران صنعت نفت بیش از اقتصاد کشور فایده داشت.

استناد: معتقدی، ربابه (۱۴۰۳) **واکاوی تأثیر بحران رکود بزرگ جهانی ۱۹۲۹ م. بر قرارداد نفتی ۱۹۳۳ م./ ۱۳۱۲ ه.ش با تکیه‌بر روابط بین‌الملل و بررسی مدل نظریه علیه ملی‌گرایی روش‌شناختی** ،پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام، بهار و تابستان ۱۴۰۳، دوره ۱۸، شماره پیاپی۳۴، ص ۲۵۹-۲۸۳.

DOI. 10.22111/JHR.2024.45845.3574

© نویسندگان . **ربابه معتقدی**
ناشر: دانشگاه سیستان و بلوچستان

مقدمه

از فرض‌های پنهان تاریخ‌نگاری، بدیهی انگاشتن دولت –ملت به‌عنوان واحد تحلیل در پژوهش‌های تاریخی است. فرضی که در تاریخ‌نگاری از آن به‌عنوان «ملی‌گرایی روش‌شناختی» یاد می‌شود؛[۱] در همین راستا نوشته‌ها و مقاله‌های زیادی به بررسی انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ /۱۳۱۲ پرداخته‌اند که عموماً جلوه‌هایی متفاوت از علت و چگونگی قرارداد یادشده را نشان می‌دهند: از یکسو منابعی که قرارداد را از زاویه یک اختلاف میان ایران و انگلستان نگریسته‌اند و نقش انگلستان در الغای قرارداد دارسی و سپس روی میز گذاشتن قرارداد از پیش آماده‌شده ۱۳۱۲/۱۹۳۳ را پررنگ دیده‌اند، هم‌چون کتاب خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق[۲] که به باور احمد اشرف مصداق روشن و مضامین داغی برای توهم توطئه هستند.[۳] از سوی دیگر نویسندگانی مانند محمدعلی همایون کاتوزیان که به موضوع لغو قرارداد دارسی به‌عنوان ابتکار ساده‌لوحانه یا مستبدانه و اقدام ناپخته رضاشاه پرداخته‌اند. به گمان این مورخان این تصمیم حاکی از ناآگاهی رضاشاه نسبت به نفت و ناآشنایی با سیاست‌های شرکت نفت بوده است.[۴] در این میان پژوهشگرانی هم به موضوع بحران اقتصاد جهانی ۱۹۲۹ - ۱۹۳۳ و نقش آن در سیاست‌های اقتصادی ایران پرداخته‌اند که متأسفانه به ارتباط یا حتی عدم ارتباط این قرارداد با بحران اقتصادی نیم‌نگاهی نداشته‌اند. این دسته از پژوهش‌ها عموماً به تأثیر بحران در قانون انحصار تجارت خارجی، مشکلات تهیه مواد غذایی و کاهش صادرات و واردات پرداخته و تأثیر بحران جهانی در موضوع نفت و بحران اقتصادی ایران را ندیده‌اند. هم‌چون مقاله «بحران اقتصادی ۱۹۲۹؛ پیامدها و واکنش‌ها در ایران»[۵] که به بررسی رفتار اقتصادی و سیاست‌گذاری رضاشاه در کنترل بحران در ایران پرداخته است. مقاله «مذاکرات نفت ایران و انگلیس و تجدیدنظر در قرارداد دارسی در دوره رضاشاه»[۶] نیز به‌روشنی به دلایل دل‌زدگی رضاشاه نسبت به قرارداد دارسی و تلاش تیمورتاش برای انعقاد قرارداد جدید یا اصلاح قرارداد دارسی پرداخته است. ویژگی نمایان این مقاله بهره‌گیری از منابع دست‌اول و اسناد و مدارک شرکت نفت

و وزارت خارجه انگلستان است. پژوهش دیگری با عنوان «قانون انحصار تجارت خارجی ایران ۱۳۰۹، زمینه‌ها، اهداف و پیامدها» نیز به موضوع بحران اقتصادی و تأثیر آن بر سیاست‌های اقتصادی ایران پرداخته است.[۷] این مقاله به بحران ۱۹۲۹ و تأثیر آن در تصویب قانون انحصار تجارت خارجی ایران پرداخته است، نویسنده مقاله باور دارد که دولت با توجه به صنعتی سازی و محدود ساختن صادرات و واردات موفق شده است در کوتاه‌مدت بحران اقتصادی متأثر از بحران جهانی را در ایران را مهار کند. سینا فروزش در مقاله‌ای با عنوان «نقش بحران اقتصادی ۱۹۲۹ آمریکا بر توسعه اقتصاد دولتی در ایران عصر پهلوی اول»[۸] نیز به موضوع بحران اقتصادی و تأثیر آن در ایران پرداخته است. نوآوری این مقاله تأکید بر موفقیت برنامه‌های اقتصادی رضاشاه برای برون‌رفت از بحران جهانی است. نویسنده بر این گمان است که با توجه به تراز مالی و افتتاح کارخانه‌ها و توجه دولت به صنعتی سازی، این سال‌ها دوره شکوفایی اقتصادی ایران بوده است. اگرچه این مقاله نیز به تأثیر بحران بر انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ توجه نکرده است.

محمدعلی موحد که ماجرای الغای قرارداد دارسی در «خواب آشفته نفت» را به‌تفصیل شرح داده[۹] این اقدام رضاشاه را یک حرکت نمایشی خوانده است که توقع می‌رفت از سوی شرکت نفت با یک اعتراض نمایشی پاسخ بگیرد؛ اما شرکت نفت و انگلستان بسیار جدی با موضوع نمایش یعنی الغای یک‌سویه قرارداد برخورد کردند. این پژوهش‌ها و منابع اگرچه هرکدام در سطحی قابل‌قبول به موضوع قرارداد پرداخته‌اند، اما همچنان به وضعیت ایران در سایه بحران جهانی توجه نکرده و متأسفانه موضوع درآمدهای نفتی و بازتاب آن در سیاست‌های اقتصادی این دوره از نگاه ایشان دورمانده است. ازآنجاکه پژوهشگران و مورخان تاکنون به تأثیر و نقش بحران جهانی ۱۹۲۹ در تنظیم این قرارداد توجهی نداشته‌اند، این مقاله می‌کوشد؛ این جای خالی را تا حدودی پرکرده و از این دریچه به موضوع قرارداد ۱۳۱۲ ش/ ۱۹۳۳ م بنگرد.

بحران اقتصادی جهانی ۱۹۲۹-۱۹۳۳

در اکتبر سال ۱۹۲۹ بحران اقتصادی با سقوط قیمت‌ها و پایین آمدن اعتبار بورس آمریکا آغاز شد و به‌سرعت به کشورهای اروپایی نیز سرایت کرد. این بحران در اثر تولید بیش‌ازحد محصولات

کشاورزی و تنزل قیمت آن آغازشده بود. با کاهش قیمت محصولات کشاورزی قدرت خرید کشاورزان پایین آمد و درنتیجه سبب رکود بازار کالای صنعتی شد که اغلب خریداران آن کشاورزان بودند... سپس بحران به سیستم پولی و اعتبارات نیز کشیده شد و به‌سرعت بخش‌های صنعتی را نیز فراگرفت. پس از آمریکا همه کشورهایی که تحت پوشش سرمایه‌گذاری‌های آمریکا بودند، همچون اتریش، آلمان و انگلستان نیز به همان ترتیب دچار بحران پولی- صنعتی و کشاورزی شدند. طی چهار سال کشورهای اروپایی به‌شدت دچار تزلزل و بی‌ثباتی شدند. درنتیجه سقوط قیمت‌ها بیکاری افزایش یافت.

کارگران بحران‌زده افزون بر دست‌وپنجه نرم کردن با افزایش قیمت‌ها، مجبور به تحمل بیکاری نیز شدند. بسیاری از کشورها و به‌ویژه آمریکا شاهد اعتصاب بسیاری از کارگران بیکار بودند. (شفق سرخ، ۱۳۱۲/۰۷/۱۱) این سیاست، زمینهٔ کند شدن مبادلات تجاری، ورشکستگی صنایع و کاهش تولید را به وجود آورد؛ درنتیجه تقاضای جهانی برای مواد خام کاهش یافت. بر اساس گزارش ادارهٔ تحقیقات اقتصادی جامعهٔ ملل، مقدار مال‌التجاره‌ای که بین ملل مختلف در سال ۱۳۱۲ ش/۱۹۳۳ م مبادله شد نزدیک به ۳۰٪ نسبت به سال ۱۳۰۸ ش/۱۹۲۹ کاهش یافت. (اطاق تجارت، شمارهٔ ۸۶، ص ۲۵). البته تأثیر بحران در کشورهای صادرکننده مواد خام شدیدتر بود. «ارزش مواد اولیه در سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۳ (۱۳۰۹ تا ۱۳۱۲) به ۶۰% قیمت قبل از جنگ جهانی اول رسید» (Ipton۲۵۲ :۱۹۸۷,) نتیجه نهایی چنین اتفاقی برای کشورهای صادرکننده مواد خام، کاهش درآمد و قدرت خرید بود.

بین سال‌های ۱۹۲۹ و ۱۹۳۲ بانک‌های زیادی دچار ورشکستگی شدند و کارخانه‌ها و شرکت‌های زیادی به کاهش ساعات کار و اخراج کارگران پرداختند. تولید صنعتی آمریکا ۴۵٪ کاهش یافت. بسیاری از شرکت‌ها ورشکست شدند یا تجارت را متوقف کردند. دیگران سعی کردند با اخراج کارگران هزینه‌ها را کاهش دهند. شمار بیکاران آمریکا در سال ۱۹۳۲ به ۱۲ میلیون نفر رسید. در آلمان این رقم به شش میلیون نفر و در انگلستان به سه میلیون نفر بالغ شد. تولیدات صنعتی نیز ۳۸٪ کاهش یافت. (, ۲۰۰۶ :۷۷۸ H olasNich. Dimsdale and others)

محصولات کشاورزی و مواد غذایی که خریداری نداشت در مقابل چشم میلیون‌ها گرسنه‌ی بیکار نابود شد. البته شوروی کمتر از بقیه کشورها از این بحران آسیب دید، زیرا دولت برنامه‌ریز طرح‌های اقتصادی بود و سرمایه‌داری در این کشور آزادی عمل و قدرت ریسک نداشت. بسیاری از کشورهای درگیر بحران، از ایده دخالت دولت در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی برای کنترل و برون‌رفت از بحران، استقبال کردند. این مداخله با کنترل قیمت‌ها، ایجاد کار و حتی ملی کردن کارخانجات و شرکت‌ها انجام شد. دولت آمریکا از طریق کاهش ارزش دلار و نظارت بر فعالیت‌های بانکی، کشاورزی و صنعتی و با ایجاد اشتغال، موجبات رضایت کارگران و طبقه متوسط را فراهم کرد و تا حدی توانست اوضاع را تحت کنترل درآورد. دولت انگلستان نیز که تا این زمان (۱۹۳۲) الگوی لیبرالیسم اقتصادی بود، ناچار به مداخله در امور اقتصادی و اتخاذ سیاست ارشادی و کنترل سرمایه‌داری گرفت.

بحران جهانی ۱۹۲۹ و تأثیر آن بر اقتصاد ایران

از پی کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ و ورود رضاخان به سپهر سیاست، ایران نظم آمرانه نوینی را تجربه کرد که شبیه آن را بسیاری از کشورها، در فاصله دو جنگ جهانی تجربه کردند. صنعتی کردن کشور مقام بالایی در سیاست‌های توسعه ملی ایران یافت. نقش دولت در دگرگونی ساختار اقتصادی ایران در دوران رضاشاه در میان کشورهای خاورمیانه و نزدیک غیرقابل‌انکار بود. سرمایه‌گذاری در صنعت بیش از بیست در صد بودجه کل کشور را به خود اختصاص داده بود. برای تأمین سرمایه، دولت به درآمد حاصل از فروش نفت وابسته بود. ازآنجاکه پس از جنگ جهانی اول، این صنعت رشد چشمگیری داشت، سهم ایران نیز افزایش پیداکرده بود (Bahrier ,1971:65-66)این افزایش البته حاصل گسترش چشمگیر میدان‌های نفتی، استخراج و صادرات رو به رشد نفت بود. (: Archive BP٤٣٠٨) اما با فراگیری بحران اقتصادی ۱۹۲۹ م. در جهان، بحران دامن ایران را نیز گرفت. قیمت کالاهای ایرانی به نصف کاهش یافت. از سال ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲ ارزش ریالی واردات ایران تقریباً دو برابر شد. بازرگانان بزرگ چندین انحصار نیمه‌رسمی مشترک تشکیل دادند که کنترل انحصاری تجارت خارجی را به دست بگیرند و همین امر موجب ورشکستگی تجار کوچک‌تر شد. (ddiKe, ۱۹۸۱:۹٦) هرروز تلگرافاتی از ولایات در باب افلاس و ورشکستگی

تجار معتبر به تهران می‌رسید. در اثر کسادی بازار تجارت قالی در اروپا و آمریکا، کارخانه‌های قالی‌بافی زیادی در کرمان و خراسان و کاشان بسته شدند. پانزده هزار نفر کارگر قالی‌باف و پنج‌هزارم کارگر ابریشم‌باف و...در ایران بیکار شدند. این تعداد غیر از هزاران کارگر صنعت نفت بودند که در این سال‌ها از سوی شرکت نفت اخراج شدند.«سرمایه‌داران و صاحبان کارخانجات ایرانی برای تلافی ضررهای وارده از بحران، حمله به مزد و ساعت کار روزانه کارگران آورده و آنان را به نان شب محتاج نموده‌اند. امروز کارگران ایرانی که سابقاً هم حال خوشی نداشتند روزانه ۱۴ تا ۱۶ ساعت کارکرده و در مقابل مزد نازلی که حتی برای قوت لایموت آنان هم کفایت نمی‌کند، دریافت می‌کنند. برای کارگران بیکار که تعداد آنان امروز در ایران ۵۰،۰۰۰ نفر است هیچ مساعدتی از سوی دولت و سایر مؤسسات نمی‌شود. زن و بچه بیکاران به فلاکت زیاد افتاده و در شهرها و دهات مشغول به گدایی هستند. هزاران زارع گرسنه دست‌زن و بچه را گرفته یا به شهرهای نزدیک برای گدایی می‌روند یا آنکه برای به دست آوردن یک‌تکه نان خالی به هند و بین‌النهرین مهاجرت می‌کنند. (پیکار، ۱۳۰۹/۱۲/۱: ۱) اقتصاد کشاورزی نیز اوضاع بهتری از صنعت نداشت. چنانکه علی‌اکبر داور وزیر عدلیه نیز ضمن اشاره به این نکته، از عدم همخوانی میزان مصرف با شیوهٔ تولید و نبود توازن و تعادل در تجارت گلایه داشت «مملکت شما تنها در بحران نیست، دنیا امروز در بحران اقتصادی است. مگر آقایان نمی‌خوانند در جراید. مگر نمی‌شنوند که صدها بانک در ممالک پر ثروت خارج ورشکست شده‌اند و بر عدهٔ بیکاران هرروز افزوده می‌شود؟» (مذاکرات مجلس ۸، ج یازدهم: ۱۶)

دنیا در حال تجربهٔ بحران بزرگی بود و خواه‌ناخواه کشورهای مختلف روش‌های متفاوتی برای مقابله با بحران اقتصادی در پیش گرفتند. گستردگی ابعاد بحران اقتصادی در ایران و تحت‌فشار قرار گرفتن دولت و مردم، سبب شد که رضاشاه نیز همچون بسیاری دولت‌های دیگر به مداخله در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و در پیش گرفتن سیاست ارشادی مصمم شود. تصویب قانون انحصار تجارت خارجی در اسفند ۱۳۰۹ از روشن‌ترین پیامدهای این سیاست اقتصادی بود. (رستم‌نژاد نشلی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۵) تجارت شکر، چای، تریاک، دخانیات، ابریشم، نوغان، کالاهای نخی و

پنبه‌ای، قالی، غلات، خشکبار، برنج، پنبه، پشم و پوست به‌موجب این قانون در اختیار دولت قرار گرفت. (اسنادی از ارز و انحصار تجارت خارجی ایران در دوره رضاشاه، ۱۳۸۰: ۱۶۱ ؛ ۲۶۴) تصویب این قانون موجب اعتراض و حملات گسترده دولت‌های انگلستان و شوروی شد، زیرا تجار ایرانی با شوروی مبادلات تجاری فراوانی داشتند و انگلستان نیز بر روی تجارت با ایران در برنامه‌ریزی‌هایش حساب کرده بود، علاوه بر آن احتمالاً نگران سرایت این قانون به انحصار تجارت نفت و فراورده‌های نفتی نیز بود. به‌ویژه اینکه از سال ۱۳۰۶/ ۱۹۲۷ نیز گفتگوهای مربوط به تغییر و اصلاح قرارداد دارسی یکی از دغدغه‌های دولت رضاشاهی بود که تا این زمان هنوز به سرانجامی نرسیده بود. دولت ایران در پاسخ به اعتراض انگلستان، قول داد که این قانون بر روابط تجاری و صادرات و واردات آن کشور تأثیری نگذارد. همچنین دولت تأکید کرد که این اقدام برای ایجاد موازنه تجاری و جلوگیری از بحران اقتصادی و حمایت از کشاورزی و صنایع داخلی بوده و به شرطی که در برابر هر کالایی که وارد کشور می‌شود؛ محصولی به همان ارزش نیز صادر شود؛ محدودیتی در تجارت خارجی ایجاد نخواهد کرد. (وحید مازندرانی، ۱۳۱۶: ۷۱–۸۳؛ رحمانیان، ۱۳۹۰: ۶) با تصویب قانون انحصار تجارت خارجی اگرچه در کوتاه‌مدت قاچاق و خریدوفروش غیرقانونی کالاهای انحصاری به‌شدت رواج یافت، (آرشیو ملی ایران: ۲۹۷۰۳۷۶۴۷) اما بخشی از مشکلات اقتصادی جامعه که مربوط به صادرات و واردات و ارتباط تجاری با دنیای بیرون از ایران بود، کم‌رنگ‌تر شد. البته همه مشکل اقتصادی این سال‌های دولت ایران، محدود به تجارت خارجی نبود و بحران اقتصادی همه درآمدهای دولت را کاهش داده بود. مشکلات اقتصادی که دولت را در برابر بحران اقتصادی آسیب‌پذیر کرده بود:

*قیمت کالای داخلی و محصولات کشاورزی به‌شدت پایین آمده و کالاها به علت بی‌پولی و بیکاری مردم، در انبارها ماندند. در مقابلِ کاهش قیمت محصولات کشاورزی و کالاهایی که باید از ایران صادر می‌شدند، کالاهای خارجی و اقلامی که وارد می‌شد، همچون قند و شکر و چای با افزایش (۵۰٪ تا ۱۰۰٪) روبه‌رو شد. (آرشیو ملی ایران: ۲۹۷۰۳۷۶۴۷، ۱۳۱۰/۴/۳۱ و ۱۳۱۰/۵/۷ و ۱۳۱۰/۵/۱۱.) تجار با رکود بازار روبرو شده بودند، اجناس وارداتی همچون پارچه خریداری نداشت.

با کاهش قیمت‌های محصولات وارداتی، همچنان بازار خریدوفروش کساد بود) و ازآنجاکه آینده اقتصاد جهانی قابل پیش‌بینی نبود، همچنان اوضاع تیره‌تر می‌شد. موارد زیر ازجمله مشکلات مالی بود که دولت می‌بایست به حل آن‌ها می‌پرداخت:

* هزینه‌های دولت در این سال‌ها بسیار بیشتر از قبل بود. با افزایش بروکراسی اداری تعداد کارمندان و مواجب‌بگیران چند برابر شده بودند. برای ایجاد تمرکز و اقتدار حکومت، نیروی نظامی از ۴۰,۰۰۰ نفر به ۱۵۰,۰۰۰ نفر افزایش‌یافته بود. (بشیریه، ۱۳۸۰: ۸۱)

*طرح‌های عمرانی زیربنایی همچون ساخت پل‌ها و تونل‌ها، جاده‌های شوسه و راه‌آهن، سدسازی و...همگی هزینه بسیار بالایی بر دولت تحمیل کرده بود. به‌ویژه برنامه ساخت راه‌آهن سراسری که بسیار هزینه‌بر بود و در این سال‌ها باوجود بحران مالی دولت، متوقف نشده بود. (شفق سرخ، ۱۳۱۲/۰۷/۱۰ : ۲)

*تغییرات نظام قضایی و دادگستری و اجباری شدن آموزش ابتدایی نیز سبب استخدام گروه بی‌شماری از کارمندان و معلمان شده بود که دولت موظف بود حقوق ماهانه آنان را بپردازد. هم‌زمان با همه این مشکلات، درآمد سالانه نفت نیز با تأخیر و بسیار کمتر ازآنچه معمول بود پرداخت شد که بنابر اظهارات شرکت نفت نتیجه بحران جهانی اقتصادی بود.

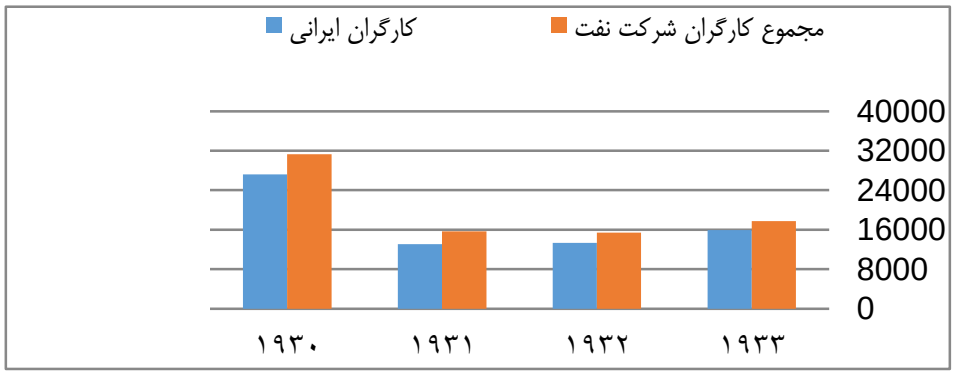
بحران جهانی ۱۹۲۹ و تأثیر آن بر اوضاع سیاسی اجتماعی ایران

آنچه گفته شد، مشکلات اقتصادی دولت تحت تأثیر بحران جهانی بود، اما در فضای سیاسی داخلی نیز مشکلات جدی به وجود آمده بود که رضاشاه باید به آن‌ها نیز می‌پرداخت. با پیش‌آمدن اعتصاب‌های کارگری در صنعت نفت و پس‌ازآن در کارخانه وطن، رشد و توسعه فعالیت‌های کمونیستی خودنمایی کرد. با سرکوب اعتصاب‌های کارگری، ماجرای فعالیت‌های شوروی در ایران رنگ دیگر یافت. اعترافات آقابکوف مأمور امنیتی شوروی نیز پرده از راز جاسوسی بسیاری از عوامل دولت رضاشاه برای حکومت شوروی برداشت. حکومت رضاشاه با دستیابی به این حجم از فعالیت شوروی در ایران احساس خطر کرد «حدود ۲۵۰ تن در تهران و بیش از ۱۳۰ تن در مشهد به اتهام همکاری با شوروی بازداشت و از این میان ۴ تن به جرم جاسوسی برای شوروی تیرباران شدند.

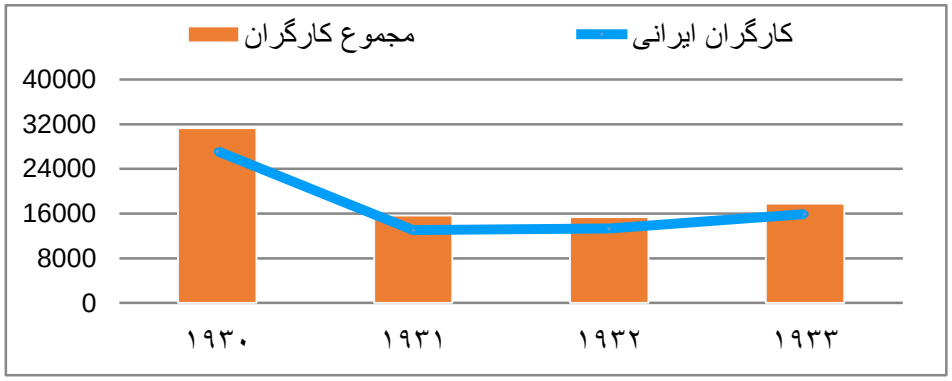
آقابکوف تنها سیاههٔ نام جاسوسان شوروی در ایران را منتشر نکرد، بلکه از شبکهٔ حزب کمونیست ایران و اعضا و فعالانش نیز نام برد.». (اتابکی، ۱۳۹۲: ۶۹) این حکایت و احتمالاً وجود نام برخی از دولتمردان بسیار نزدیک به رضاشاه در فهرست یادشده، سبب بی‌اعتمادی بیشتر او به اطرافیانش گردید. در چنین فضای اقتصادی و سیاسی ناآرام، خوزستان نیز همچون سایر استان‌های کشور درگیر گرانی و تورم حاصل از بحران جهانی بود؛ اما علاوه بر آن، انحصار و محدودیت تجارت خارجی در این سرزمین به‌عنوان یک استان مرزی بر رواج بازار قاچاق و ایجاد ناامنی تأثیر بسیار گذاشته بود. مدارکی حاکی از وقوع دزدی‌های مکرر و دستبرد زدن به مغازه‌ها و خانه‌ها به علت فقر و بیکاری و گرانی و اقدام افراد به قاچاق کالاهای ممنوعه در این استان در سال ۱۳۱۰ موجود است (آرشیو ملی ایران: ۲۹۷۰۳۷۶۴۷). افزون بر آن، مدیریت تبعیض‌آمیز شرکت نفت ایران و انگلیس بر فضای شهری آبادان و دیگر شهرهای نفتی موجب ایجاد نارضایتی کارگران و فرودستان شهری شده بود که در جستجوی کار به این مناطق مهاجرت کرده بودند. ازدحام بیش‌ازحد محله‌های حاشیه‌نشین، بیکاری، گرانی، بالا بودن آمار بیماری و پایین بودن دستمزدها همگی دست‌به‌دست هم داده و فضایی آشفته و ناامن ایجاد کرده بود.

شرکت نفت نیز که با وقوع بحران جهانی اقتصادی دچار افت قیمت محصولات و کاهش فروش و درنتیجه کاهش درآمد شده بود، به دلیل کاهش تقاضا وادار به پایین آوردن قیمت محصولات نفتی شده بود. آگهی‌های تخفیف قیمت نفت و مواد نفتی در روزنامه‌های سال ۱۳۱۲ نشانه‌هایی از این موضوع هستند. (شفق سرخ، ۱۳۱۲/۰۷/۱۰: ۲) به اعتراف تاریخ شرکت بریتیش پترولیوم کاهش یافتن یک‌باره نیروی شاغل شرکت در طول بحران اقتصادی بسیار شدید بود. برای مدیران شرکت نفت ایران و انگلیس اخراج و تعدیل نیرو راهکاری برای برون رفتن از بحران و کاهش هزینه‌ها بود. تعداد افراد شاغل در صنعت نفت از اواخر سال ۱۹۳۰ تا اواخر ۱۹۳۲ دقیقاً به نصف رسید و پنجاه‌درصد کاهش یافت و از ۳۱۳۱۲ نفر به ۱۵۳۸۳ رسید (بمبرگ، ۱۳۸۰: ۹۵). این موضوع سبب فشار بیشتر بر کارگران ساکن شهرهای خوزستان شد، زیرا علاوه برافزایش قیمت‌ها به علت انحصار تجارت خارجی و قاچاق کالا، باید متحمل بیکاری و نداشتن مواجب نیز می‌شدند. اداره

معارف خوزستان در گزارش اوضاع بیکاری در خوزستان چنین نوشت: «نظر به رویه‌ای که چندی است ازنقطه‌نظر اقتصاد کمپانی نفت جنوب اتخاذ و چند هزار نفر از کارگران ایرانی و غیره خود را خارج نموده و حقوق هنگفتی که کارگران مأخوذ می‌داشتند و در همین حوزه به مصرف می‌رسانیدند و حالیه آن پول و خریدوفروش ازلحاظ معروضه ۷۵ درصد تنزل و تقلیل یافته، عده بیکاران فراوان و بازار به‌کلی کساد است.



نمودار نیروی کار مستقیم و پیمانکار شرکت نفت ایران و انگلیس (بمبرگ، ۱۳۸۰، ۹۷)



جدول نیروی کار مستقیم و پیمانکار شرکت نفت ایران و انگلیس

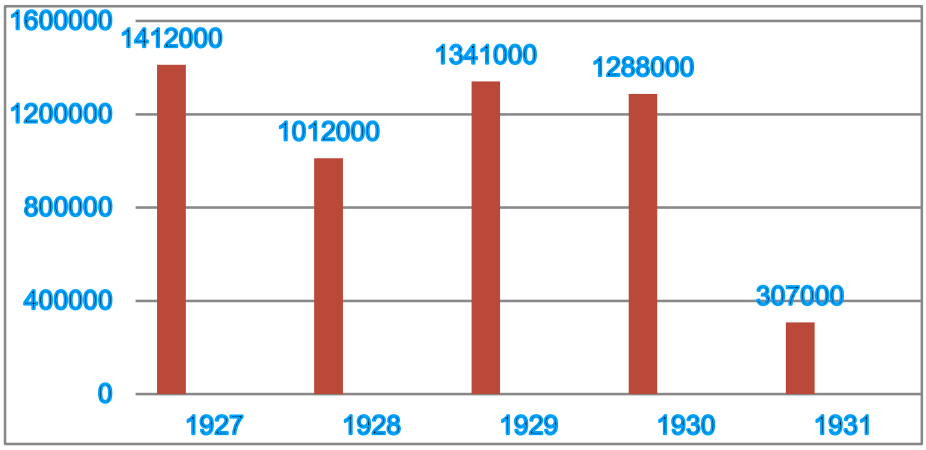
سال	ایرانی	هندی	انگلیسی	دیگران	مجموع
۱۹۳۰	۲۷۱۸۰	۲۴۷۲	۱۰۷۶	۵۸۴	۳۱۳۱۲
۱۹۳۱	۱۳۰۵۹	۱۶۲۳	۷۷۵	۵۷۷	۱۵۶۷۴
۱۹۳۲	۱۳۳۲۱	۹۳۵	۷۰۴	۴۲۳	۱۵۳۸۳
۱۹۳۳	۱۵۹۴۱	۷۹۵	۷۴۹	۲۷۷	۱۷۷۶۲

به‌این‌ترتیب روابط ایران و شرکت نفت که در سال‌های پیش نیز چندان دوستانه نبود، در شرایط بحرانی قرار گرفت که علت آن افزون بر اخراج کارگران و تشدید بیکاری، کاهش شدید درآمد ایران از نفت بود. تحلیل مورخ شرکت نفت از تأثیر بحران رکود اقتصادی در رابطه شرکت نفت با دولت ایران چنین بود: «...کاهش قیمت‌های جهانی نفت و افت میزان فروش شرکت در سال ۱۹۳۱/ ۱۳۱۰ سود شرکت را کاهش داد و با احتساب مالیات از ۵/۶ میلیون پوند به ۶/۳ میلیون پوند رسید. درنتیجه سقوط میزان سوددهی شرکت، میزان حق الامتیاز قابل پرداخت به دولت ایران نیز که مبتنی بر درصدی از سود بود، در سال ۱۹۳۱ به‌شدت کاهش یافت»(بمبرگ ،۱۳۸۰: ۲۹) اما بر اساس گزارش باتلر سود پرداختی شرکت به ایران در ۱۹۳۰ ۱، ۲۸۸، ۰۰۰ پوند بود که در سال بعد به یک‌چهارم کاهش‌یافته بود؛ یعنی ۳۰۷، ۰۰۰ پوند در سال ۱۹۳۱ که حکایت از کاهش درآمدی بسیار بیش از مبلغ اعلام‌شده بمبرگ داشت. (Butler,1962:18)

جدول دریافتی ایران از شرکت نفت از ۱۹۲۷ تا ۱۹۳۱ (فاتح، ۱۳۳٤: ۲۹۱)

سال	سهم دریافتی ایران
۱۹۲۷	۱۴۱۲۰۰۰
۱۹۲۸	۱۰۱۲۰۰۰
۱۹۲۹	۱۳۴۱۰۰۰
۱۹۳۰	۱۲۸۸۰۰۰
۱۹۳۱	۳۰۷۰۰۰

نمودار دریافتی ایران از شرکت نفت از
۱۹۲۷ تا ۱۹۳۱ بر اساس داده‌های مصطفی فاتح



بر اساس داده‌های مصطفی فاتح، سهم درآمد ایران از نفت ۷۵٪ کاهش‌یافته بود درحالی‌که درآمد شرکت در اثر بحران اقتصادی و کاهش قیمت نفت یک‌سوم کاهش داشت و این منصفانه نبود.)Fesharaki1976:1),

در نیمه تیرماه ۱۳۱۰ کدمن با مشاهده نظرات تیمورتاش و اصرار وی برافزایش حق‌الامتیاز ایران، مسأله مالیات بر شرکت و نظارت ایران بر اقدامات و عملیات شرکت نفت ایران و انگلیس، ضمن توصیف بحران جهانی و شرایط نامساعد فروش نفت در جهان که باعث شده شرکت قیمت نفت تولیدی را کاهش دهد، بیان کرد که به خاطر بنیه قوی شرکت نفت بوده که توانسته از دوره رکود و بحران اقتصادی سربلند بیرون آید، بنابراین لازم بود که در این شرایط موارد اختلافی «معقولانه و منصفانه بررسی شود و با توجه به نامساعد بودن شرایط برای تداوم مذاکرات تجدیدنظر در قرارداد ممکن نیست. (سلیمانی و وحیدی‌راد، ۱۳۸۹: ۸۴)

لغو قرارداد دارسی

مذاکرات اصلاح قرارداد دارسی از سال ۱۹۲۷/۱۳۰۶ در دولت رضاشاه آغازشده بود، حتی در سال ۱۳۰۷ وزیرمختار بریتانیا در ایران در گزارشی به وزارت خارجه نوشت که رضاشاه قرارداد دارسی را قراردادی کهنه خوانده و خواستار انجام تغییراتی در آن شد. (سلیمانی و وحیدی‌راد، ۱۳۸۹: ۸۰) انگلستان نیز به تغییر و اصلاح قرارداد دارسی بی‌تمایل نبود، به‌ویژه اینکه مدت‌زمان قرارداد رو به اتمام بود. (فرشاد گهر،۱۳۸۱: ۱۰۲)؛ اما تا سال ۱۹۳۲/۱۳۱۱ به نتیجه مشخصی نرسیده بود. رضاشاه که در سال‌های پیش‌ازاین (۱۳۰۳ تا ۱۳۱۲) چهار بار به خوزستان سفرکرده بود، هر بار از قدرت شرکت نفت در مناطق نفتی و سلطه‌اش بر بزرگ‌ترین منبع ثروت ایران آزرده و خشمگین شده بود.(شفق سرخ، ۱۳۱۲/۰۷/۰۹: ۳) افزایش تولید نفت، از چشم دولت ایران که سودای توسعه اقتصادی پرشتاب کشور را داشت، پنهان نماند (۱۲)؛ اما با وقوع بحران اقتصادی جهانی سال‌های نخستین دهه ۱۹۳۰ میلادی، شرکت نفت ایران و انگلیس نیز که با وقوع بحران اقتصادی جهانی با کاهش تقاضا و درنتیجه کاهش درآمد روبه‌رو شده بود، دست به اخراج گسترده نیروی کار زد تا به‌گونه‌ای از هزینه‌ها بکاهد. (آرشیو ملی ایران :۲۹۷۰۳۷۶۴۷) مخالفت جدی بریتانیا با رفتار ایران بود که تهدید به الغای یک‌سویه قرارداد می‌کرد، آن‌هم تهدید از سوی سلطنتی نوبنیاد که بریتانیا امید داشت آن را متحدی مطیع یابد. افزون بر همه این گرفتاری‌ها، وضعیت نابسامان اقتصادی،

اجتماعی و بهداشتی منطقه‌ی نفتی و اوضاع نامطلوب اجتماعی کارگران و بیکار شدگان صنعت نفت، رضاشاه را بر آن داشت تا در الغای قرارداد دارسی و انعقاد قرارداد جدید اصرار و سرعت بیشتری داشته باشد (کاژانوف، ۱۳۹۴: ۱۱۹) در این سال رضاشاه دستور الغای قرارداد را صادر و در صد و هجدهمین جلسه مجلس شورای ملی در ۱۰ آذر ۱۳۱۱ ش اقدام دولت مورد تصویب مجلس قرار گرفت. (فرشاد گهر: ۱۳۸۱:۱۰۷) با تصویب مجلس الغای قرارداد صورت قانونی گرفت. در سراسر ایران جشن و پایکوبی برپا شد که بیش از ملاحظات اقتصادی به جنبه حیثیتی و انگیزه‌های ملی‌گرایانه مربوط می‌شد.

عکس‌های کارناوال قرارداد ۱۳۱۲





انعقاد قرارداد نفتی ۱۹۳۳ م/۱۳۱۲ ش

پادرمیانی شرکت نفت ایران و انگلیس و حتی تماس کدمن با رضاشاه برای کاهش تنش رو به افزایش میان ایران و بریتانیا نه‌تنها به ثمر نرسید، بلکه با تهدید ایران برای انجام سریع مفاد قراداد ۱۹۳۳، شدت یافت. (BP,85909) به‌این‌ترتیب با اعتراض شرکت نفت و شکایت به مجامع بین‌المللی، قرارداد جدیدی میان شرکت نفت و ایران بسته شد که در آن سعی شده بود به مواردی که تاکنون موجب اختلاف طرفین شده بود پرداخته شود.

۱-در قرارداد دارسی شرکت نفت حق داشت "در تمام وسعت ممالک ایران" به عملیات اکتشاف نفت بپردازد که اما در قرارداد جدید (۱۹۳۳) حوزه فعالیت آن شرکت کاملاً محدود شد (قرارداد دارسی، فصل اول.)

۲-حق انحصاری کشیدن لوله نفت در قرارداد دارسی به شرکت نفت واگذارشده بود. این موضوع در قرارداد بعدی به"حق غیرانحصاری ساختن و داشتن لوله‌های نفتی" تغییر کرد. (قرارداد دارسی، فصل دوم)

۳-یکی از مشکلات دولت با شرکت نفت در سال‌های گذشته و خصوصاً در سال‌های پایانی دوره قاجار و سال‌های بعد از جنگ جهانی اول واردکردن بدون پرداخت گمرک لوازم و مبلمان و مواد غذایی و تجملی و... برای کارکنان خارجی بدون پرداخت مالیات و عوارض بود. فصل هفتم قرارداد دارسی تمام صادرات و واردات لوازم و تجهیزات و محصولات نفتی شرکت را از پرداخت مالیات معاف کرده بود؛ درحالی‌که در ماده ششم قرارداد ۱۹۳۳ معافیت مالیاتی و اجازه واردات فقط شامل لوازم پزشکی و تجهیزات بیمارستانی/ ماشین‌آلات صنعتی تأسیسات نفت می‌شد. واردات لوازم مربوط به کارکنان و مستخدمین اگرچه مجاز بود، اما لازم بود که مالیات و گمرک آن پرداخته شود. از متن این ماده در قرارداد پیداست که توجه به خدمات بهداشتی و پزشکی و تأمین دارو برای بیماران ازنظر دولت دور نمانده است، اما به پرداخت مالیات واردات تجملی و مصرفی توجه ویژه شده است. البته مطابق این ماده قرارداد، صادرات نفتی همچون گذشته از پرداخت گمرک و مالیات

معاف بود. چنانچه این بند نیز تغییر می‌یافت، ایران از سود بیشتری برخوردار می‌شد.

۴–طبق ماده هفتم قرارداد ۱۹۳۳ دولت مسئولیت محافظت از کمپانی را به عهده می‌گرفت. بدین ترتیب رسماً برقراری ارتباط مستقیم شرکت نفت با خوانین عرب و لر و اقوام مختلف پایان می‌یافت. در همین ماده کمپانی موظف می‌شد تا قبل از انجام ساختن بازار و خانه و... دولت را در جریان بگذارد تا دولت اهالی را از موضوع باخبر کند. سابقه این بخش از ماده هفتم به درگیری اهالی آبادان و مسجدسلیمان با شرکت نفت بازمی‌گشت که شرکت نفت با تخریب خانه‌ها و بازار محلی موجب رنجش و شکایت مردم و اعتراضات سال ۱۳۰۳ و ۱۳۰۴ را به وجود آورده بود (معتقدی، ۱۴۰۰: ۲۸۵–۲۸۷). به‌این‌ترتیب با استناد به این بند قرارداد، دولت حق برخورد مستقیم شرکت نفت به‌عنوان یک شرکت خارجی با اتباع ایرانی را از آن شرکت سلب کرده و خود میان مردم و شرکت نفت قرار گرفت.

۵–حقوق و مخارج نماینده دولت در صنعت نفت باید توسط آن شرکت پرداخت شود، اما نه همچون گذشته که کمیسر نفت حقوق‌بگیر شرکت نفت و درنتیجه مدافع حقوق شرکت باشد، بلکه باز دولت در میان این دو قرارگرفته و شرکت را مکلف می‌کند تا حقوق موردنظر را از طریق دولت بپردازد.

۶–هم‌چون قرارداد قبل "در موقع ختم امتیاز خواه این ختم به‌واسطه انقضای عادی مدت و یا به هر نحو دیگری پیشامد کرده باشد تمام دارایی کمپانی در ایران به‌طور سالم و قابل‌استفاده بدون هیچ مخارج و قیدی متعلق به دولت ایران می‌گردد."

۷–ماده شانزدهم و هفدهم تماماً به موضوع کارگران و حقوق و مسائل آنان در منطقه نفتی می‌پردازد. "مسلم است که کمپانی صنعتگران و مستخدمین فنی و تجاری خود را به‌اندازه‌ای که اشخاص ذی‌صلاحیت و باتجربه در ایران یافت شود از اتباع ایران انتخاب خواهد کرد و آن نیز مسلم است که مستخدمین غیر فنی کمپانی منحصراً از اتباع ایران خواهند بود. طرفین موافقت می‌نمایند در اینکه طرح عمومی مطالعه و تهیه نمایند که بر طبق آن هرسال و مرتباً مستخدمین غیر ایرانی را تقلیل داده و به‌جای آن‌ها به‌طور تصاعدی در کوتاه‌ترین مدت ممکن از اتباع ایرانی بگمارند. کمپانی سالیانه مبلغ ده هزار لیره استرلینگ برای اینکه اتباع ایران در انگلستان علوم و

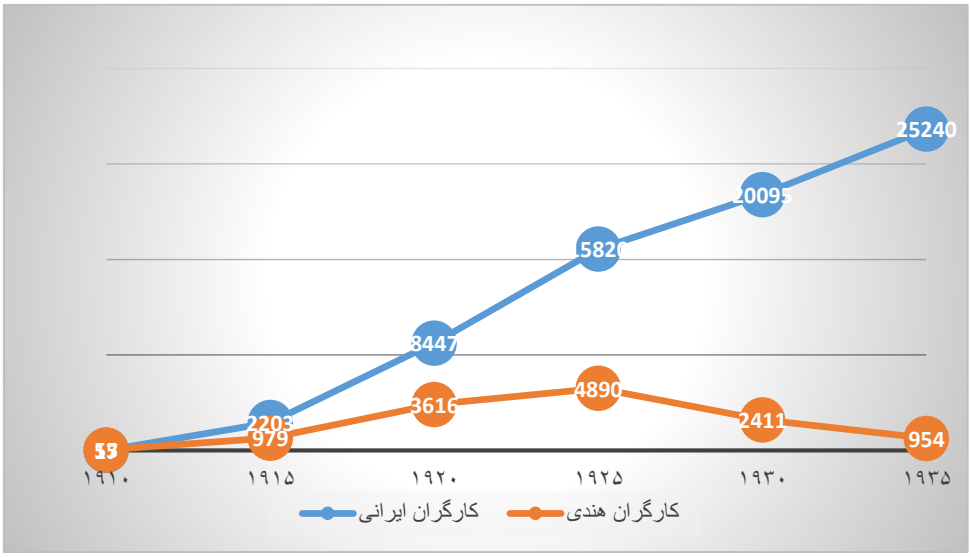
فنون مربوط به صناعت نفت را فراگیرند تخصیص خواهد داد. اعتبار مذکور به‌وسیله یک کمیته که مطابقه ماده ۱۵ تشکیل می‌شود به مصرف خواهد رسید... کمپانی تشکیلات و مخارج تأسیسات و تفتیش و اداره وسایل صحی و صحت عمومی را مطابق جدیدترین طریقه حفظ‌الصحه معموله در ایران در تمام اراضی و ابنیه و مساکن اعضا و عملیات خود که در حوزه امتیازیه کار می‌کنند به عهده می‌گیرد."

۸-ماده بیست و دوم در پیش‌بینی اختلافات احتمالی میان شرکت نفت و دولت نوشته‌شده و با تعیین حکم و توضیح جزئیاتی در این مورد، راه بر تکرار درگیری شرکت و دولت همچون سال‌های ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۲ بسته می‌شود.

۹-یکی از مهم‌ترین اختلافات شرکت نفت و ایران بر سر درآمد دولت ایران از منافع و سود سهام نفتی در سال‌های گذشته، به‌ویژه سال‌های جنگ جهانی اول و دوران بحران اقتصادی ۱۳۰۸/۱۹۲۹ به بعد بود. با اصلاحات و تغییراتی که در بخش‌های مالی قرارداد داده شد، درآمد ایران از نفت به نزدیک دو برابر گذشته رسید. اگرچه توقع دولت و تیمورتاش بر اساس گفتگوهای قبلی بیش از این مقدار بود.

درهرحال مذاکرات دولت و شرکت نفت ایران و انگلیس و انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ شرکت نفت را وادار به کاهش تعداد کارگران خارجی کرد. بسیاری از کارگران ایرانی ارتقا شغلی یافته و جایگزین کارگران هندی شدند. در سال‌های بعد آموزش کارگران فنی و اعزام دانشجویان ایرانی به انگلستان برای ادامه تحصیل و استخدام کارآموزان ایرانی یکی از مشکلات عمده شرکت نفت بود. نگاهی به جدول زیر روشن می‌کند که تأثیر قرارداد ۱۹۳۳ در کاهش کارگران هندی و افزایش استخدام کارگران ایرانی تا چه اندازه موفقیت‌آمیز بوده است.

ILO RANIANI-NGLOA/ERSIANP-NGLOA IN THE MPLOYMENTE
1910-1950 OMPANYC



نتایج پژوهش

در اکتبر سال ۱۹۲۹ م. بحران اقتصادی با سقوط قیمت‌ها و پایین آمدن اعتبار بورس آمریکا در جهان آغاز شد و به‌سرعت به کشورهای اروپایی نیز سرایت کرد. این بحران در اثر تولید بیش‌ازحد محصولات کشاورزی و تنزل قیمت آن آغازشده بود. با کاهش قیمت محصولات کشاورزی قدرت خرید کشاورزان پایین آمد و درنتیجه سبب رکود بازار کالای صنعتی شد که اغلب خریداران آن کشاورزان بودند. سپس بحران به سیستم پولی و اعتبارات نیز کشیده شد و به‌سرعت بخش‌های صنعتی را نیز فراگرفت. با فراگیری بحران اقتصادی ۱۹۲۹ م. در جهان، این بحران دامن ایران را نیز گرفت. قیمت کالاهای ایرانی به نصف کاهش یافت. از سال ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۲ م. ارزش ریالی واردات ایران تقریباً دو برابر شد. بازرگانان بزرگ چندین انحصار نیمه‌رسمی مشترک تشکیل دادند که کنترل انحصاری تجارت خارجی را به دست بگیرند و همین امر موجب ورشکستگی تجار کوچک‌تر شد. در اثر کسادی بازار تجارت قالی در اروپا و آمریکا، کارخانه‌های قالی‌بافی زیادی در کرمان و خراسان و کاشان بسته شدند. پانزده هزار نفر کارگر قالی‌باف و پنج‌هزارم کارگر ابریشم‌باف و... در ایران بیکار شدند. این تعداد بیکاران، غیر از هزاران کارگر صنعت نفت بودند که در این سال‌ها از سوی شرکت نفت اخراج

شدند. اگرچه نقش دولت در دگرگونی ساختار اقتصادی، در میان کشورهای خاورمیانه و نزدیک غیرقابل‌انکار بود (در این دوره سرمایه‌گذاری در صنعت بیش از بیست در صد بودجه کل کشور بود) اما نمی‌توان وابستگی دولت به درآمد حاصل از فروش نفت برای تأمین سرمایه را دست‌کم گرفت. با بررسی این رویداد، قبول فرض‌های پنهان در تاریخ‌نگاری «ملی‌گرایی روش‌شناختی» که به بدیهی انگاشتن دولت – ملت به‌عنوان واحد تحلیل در پژوهش‌های تاریخی متکی است، محققان را دچار تردید و تشکیک می‌نماید زیرا فرضی که در این نوع تاریخ‌نگاری؛ در نظر گرفته می‌شود بر روابط اجتماعی ملی صرف استوار بوده و به روابط با دیگر عوامل فرامرزی اعتنایی نمی‌شود. بااین‌حال در این تحقیق سعی شد که بر گستره نگاه انتقادی به این روش تاریخ‌نگاری، موضوع قرارداد نفتی ۱۹۳۳-۱۳۱۲ مورد تحلیل قرار گیرد. با در نظر گرفتن آشفتگی اقتصادی حاصل از بحران جهانی اقتصاد، بیکاری روزافزون و نیاز خزانه دولت به پول برای تأمین هزینه‌های عمرانی و مواجب ارتش و وزارتخانه‌های توسعه‌یافته و بی‌اعتمادی شاه به دولتمردان به‌روشنی می‌توان دریافت که خواسته‌ها و اهداف شخص شاه نمی‌توانست تأثیر چندانی در کنترل بحران اقتصادی یا بازتعریف روابط اقتصادی ایران و انگلستان داشته باشد. بسیاری از سیاست ورزان و مورخان باور دارند که الغای قرارداد دارسی و انعقاد قرارداد جدید ۱۳۱۲ /۱۹۳۳ م. طرح و نقشه انگلستان بود تا قرارداد نفتی دارسی را تمدید کند. حتی برخی فراتر رفته و رضاشاه را عامل و بازیچه انگلستان می‌بینند که مطابق دستور نقش بازی کرد تا شرکت نفت و انگلستان بتوانند به مقصود برسند؛ اما بدون در نظر گرفتن شرایط موجود و اوضاع اقتصادی جهان، پرداختن به قرارداد نفتی ۱۳۱۲/۱۹۳۳ مسیر اشتباهی را نشان خواهد داد. این قرارداد یک موضوع داخلی و محدود به روابط یک شرکت کوچک با کارفرما یا رابطه مالک و مستأجر نبود، داستان فراتر از این بود. نفت یکی از مهم‌ترین عواید ایران در این سال‌ها بود و تنها شرکتی که مشغول استخراج و پالایش آن بود، شرکت بین‌المللی نفت ایران و انگلیس بود که سهامدار عمده‌اش انگلستان بود. این تأکید ازآن‌رو است که موضوع فراتر از مساله داخلی یا صرفاً اقتصادی نگریسته شود. تأثیر بحران جهانی بر اقتصاد ایران در روابط دولت و منابع اقتصادی، بر تولید صنایع و صادرات و واردات همگی پیداست. مشخص است که نمی‌توان انعقاد یک قرارداد نفتی به گستردگی و اهمیت قرارداد ۱۹۳۳ م./ ۱۳۱۲ ه.ش. را از دایره تأثیر بحران اقتصادی جهانی بیرون دید. باید اذعان نمود که انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ شرکت نفت را وادار به کاهش تعداد کارگران خارجی کرد و بسیاری از کارگران ایرانی، ارتقاء شغلی یافته و جایگزین کارگران هندی شدند و در سال‌های بعد نیز آموزش کارگران فنی و اعزام دانشجویان ایرانی به انگلستان برای ادامه تحصیل و استخدام کارآموزان ایرانی، یکی از دغدغه‌های اصلی این شرکت گردید.

پی نوشت:

۱.از فرض‌های پنهان تاریخ‌نگاری، بدیهی انگاشتن دولت –ملت به‌عنوان واحد تحلیل در پژوهش‌های تاریخی است. فرضی که در تاریخ‌نگاری از آن به‌عنوان «ملی‌گرایی روش‌شناختی» یاد می‌شود؛ یعنی در این پژوهش‌ها اولویت با روابط اجتماعی ملی است و به روابط با دیگر مقیاس–های جغرافیایی اعتنایی نمی‌شود. در این روایت از تاریخ، گذشته در قالب

حیات جمعی دولت–ملتها بازنمایی می‌شود و این بازنمایی به صورتی است که گویی دولت–ملتها و در اینجا مشخصاً دولت– ملت ایران، واحد سیاسی در خود محصوری است که از دیگر واحدهای جغرافیایی منطقه‌ای و جهانی مجزاست. حال‌آنکه از چشم‌اندازی جهانی به‌خوبی آشکار است که خود این دولت–ملتها جزیی از یک نظم جهانی بزرگ‌تر هستند. ببینید: محمدجواد عبدالهی «علیه ملی‌گرایی روش‌شناختی»، نشریه مردم نامه، شماره ۱۶ (پیاپی ۱۷، بهار و تابستان ۱۴۰۰) صص ۳۷۲–۳۶۲ .همچنین برای اطلاع بیشتر:

Marcel van der linden, Workers of the World: Essays toward a Global Labor History (Studies in global social history. Bd. 1), Leiden: Brill, 2008, p. 3

۲ . مصدق، محمد (۱۳۶۵). خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق. تهران: انتشارات علمی. ص ۱۹۸–۲۰۰.

۳. یرواند آبراهامیان، احمد اشرف و محمدعلی همایون کاتوزیان (۱۳۸۲). جستارهایی درباره تئوری توطئه در ایران، گردآوری و ترجمه محمدابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی. ص ۸۶.

٤ . محمدعلی همایون کاتوزیان (۱۳۹۲). اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز. ص ۱۶۴: «در این نیز تردیدی نیست ...مسئولیت اصلی عدم تحصیل چنین شرایط مساعدی بر عهده روش‌های استبدادی، مبتکرانه و جاهلانه رضاشاه در انجام امور بود.» احمد اشرف نیز بر همین باور است. نگاه کنید به: یرواند آبراهامیان، احمد اشرف و محمدعلی همایون کاتوزیان (۱۳۸۲). جستارهایی درباره تئوری توطئه در ایران، گردآوری و ترجمه محمدابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی. ص ۸۷. «بررسی اسناد و مدارک موجود نشان می‌دهد که عامل اصلی این افتضاح بزرگ تاریخی استبداد رأی و عدم اطلاع شخص شاه از طرز کار شرکت نفت و رابطه آن با دولت بریتانیا و ناآگاهی وی از بهترین راه‌حل برای حفظ منافع ایران دران شرایط بوده است و نه خیانت شاه و رجال ایران و صحنه‌سازی‌های بریتانیا». مصطفی فاتح نیز بر این اعتقاد است که توطئه‌ای در کار نبوده و «اگر احساسات شدید شاه و یأس او از قطع و فصل اختلافات با شرکت نفت توأم با بی‌اطلاعی و استبداد رأی او نشده بود احقاق حق ایران به طریق عاقلانه و دنیاپسندی ممکن و میسر بود.» نگاه کنید به: فاتح، مصطفی (۱۳۳۵). پنجاه سال نفت، تهران: انتشارات کاوش. ص ۲۹۳. البته یرواند آبراهامیان بدون توجه به این تئوری توطئه و یا استبداد و نادانی رضاشاه، دلیل انعقاد قرارداد ۱۹۳۳ پس از الغای قرارداد دارسی را مرعوب شدن رضاشاه از ورود نیروی دریایی انگلیس به خلیج‌فارس می‌داند. نگاه کنید به: آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۷). ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گلمحمدی و محمدابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی. ص ۱۷۹. قاسمیان، سلمان – ملایی، مصطفی (۱۳۹۱.) قرارداد نفتی ۱۹۳۳ م/ ۱۳۱۲ ش و نحوه تنظیم آن. پیام بهارستان، دوره ۲، سال ۴، ش ۱۵، بهار ۱۳۹۱ نیز بر همین باور است.

٥ . شجاعی دیوکلایی و امامعلی شعبانی (۱۳۹۰). بحران اقتصادی ۱۹۲۹؛ پیامدها و واکنش‌ها در ایران. فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی، پژوهشنامه انجمن ایرانی تاریخ، سال دوم شماره هشتم. صص ۶۸–۴۷.

٦ . سلیمانی، کریم و میکائیل وحیدی راد (۱۳۸۹). مذاکرات نفت ایران و انگلیس و تجدیدنظر در قرارداد دارسی در دوره رضاشاه. فصلنامه تاریخ ایران، شماره ۶۴، بهار.

۷. رحمانیان، داریوش، غلامرضا ظریفیان، سیمین فصیحی، شهرام غلامی (۱۳۹۰). قانون انحصار تجارت خارجی ایران ۱۳۰۹، زمینه‌ها، اهداف و پیامدها... فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام و ایران. سال بیست و یکم دوره جدید، شماره ۱۱، پیاپی ۹۵، پاییز.

۸ . فروزش، سینا (۱۳۹۶). نقش بحران اقتصادی ۱۹۲۹ آمریکا بر توسعه اقتصاد دولتی در ایران عصر پهلوی اول» مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال نهم، شماره دوم. بهار.

۹. موحد، محمدعلی (۱۳۹۳). خواب آشفته نفت از قرارداد دارسی تا سقوط رضاشاه. تهران: نشر کارنامه. ص ۴۲۶

منابع و مطالعات

اسناد:

آرشیو ملی ایران: ۲۹۷۰۳۷۶۴۷، گزارش از اداره معارف خوزستان ۱۳۱۰/۹/۱۷.

آرشیو ملی ایران: ۲۹۷۰۳۷۶۴۷، گزارش اداره معارف شوشتر ۱۳۱۰/۴/۳۱

آرشیو ملی ایران: ۲۹۷۰۳۷۶۴۷، گزارش اداره معارف خوزستان، ۱۳۱۰/۱۰/۲

آرشیو ملی ایران: ۲۹۷۰۳۷۶۴۷، گزارش اداره معارف خوزستان، ۱۴ شهریور ۱۳۱۰.

اسنادی از ارز و انحصار تجارت خارجی ایران در دوره رضاشاه (۱۳۱۱–۱۳۰۵ ه.ش) (۱۳۸۰). تهران: وزارت ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.

دوهفته‌نامه "پیکار"، سال اول، ش ۲، ۱۵ مارس ۲۴/۱۹۳۱ اسفند ۱۳۰۹

روزنامه شفق سرخ، ۹ مهر ۱۳۱۲، ۳۱ سپتامبر ۱۹۳۳. ش ۲۴۶۵، ص ۳

روزنامه شفق سرخ، ۱۰ مهر ۱۳۱۲. شماره ۲۴۶۶، ص ۲.

روزنامه شفق سرخ، ۱۱ مهر ۱۳۱۲ /۳ اکتبر ۱۹۳۳. ش ۲۴۶۷، ص ۱.

کتاب‌ها و مقالات:

آبراهامیان، یرواند (۱۳۸۷). ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل محمدی و محمدابراهیم فتاحی. تهران: نشر نی چ چهاردهم.

آبراهامیان، یرواند؛ اشرف، احمد و همایون کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۸۲). جستارهایی درباره تئوری توطئه در ایران، گردآوری و ترجمه محمدابراهیم فتاحی. تهران، نشر نی.

اتابکی، تورج (۱۳۹۲). ناپدیدشدگان، چرا سران توده ایران دچار فراموشی گزینشی در خصوص حذف انقلابیون کمونیست در ایران به دست برادر بزرگ شدند. اندیشه پویا، سال دوم، ش ۱۱، مهر و آبان ۱۳۹۲.

بشیریه، حسین (۱۳۸۰). موانع توسعه سیاسی در ایران. تهران: گام نو.

بمبرگ، ج (۱۳۸۰). ترجمه علیرضا حمیدی یونسی. تهران، انتشارات اداره کل روابط عمومی وزارت نفت.

رحمانیان، داریوش؛ ظریفیان، غلامرضا؛ فصیحی، سیمین و غلامی، شهرام (۱۳۹۰). قانون انحصار تجارت خارجی ایران ۱۳۰۹: زمینه‌ها، اهداف و پیامدها. فصلنامه تاریخ اسلام و ایران، سال بیست و یکم، دوره جدید، ش ۱۱.

رستم‌نژاد نشلی، علی و دیگران (۱۳۹۵). بررسی سیاست‌ها و چالش‌های اقتصادی ایران در بحران اقتصادی ۱۹۲۹، مطالعه اسنادی. فصلنامه گنجینه اسناد، سال بیست و ششم، دفتر سوم، پاییز.

سلیمانی، کریم؛ میکائیل وحیدی‌راد (۱۳۸۹). مذاکرات نفت ایران و انگلیس و تجدیدنظر در قرارداد دارسی در دوره رضاشاه. فصلنامه تاریخ ایران، شماره ۶۴، بهار.

شجاعی دیوکلایی، سید حسن؛ شعبانی، امامعلی (۱۳۹۰). بحران اقتصادی ۱۹۲۹؛ پیامدها و واکنش‌ها در ایران. فصلنامه مطالعات تاریخ فرهنگی، پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ، سال دوم، شماره هشتم.

فاتح، مصطفی (۱۳۳۵). پنجاه سال نفت. تهران: انتشارات کاوش.

فرشاد گهر، ناصر (۱۳۸۱). سیری در قراردادهای نفتی ایران. تهران: پژوهشکده امور اقتصادی.

کاتوزیان، محمدعلی همایون (۱۳۹۲). اقتصاد سیاسی ایران، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی. تهران: نشر مرکز.

کاژانوف، نیکلای (۱۳۹۴). زمینه‌ها و عوامل حمله متفقین به ایران در سال، ترجمهٔ مرجان برهانی. فصلنامهٔ تاریخ روابط خارجی سال شانزدهم، شماره ۶۴.

مصدق، محمد (۱۳۶۵). خاطرات و تألمات دکتر محمد مصدق. تهران: انتشارات علمی.

معتقدی، ربابه (۱۴۰۰). مهندسی شهری آبادان در کوران بیماری‌های واگیر پس از جنگ جهانی اول. تحقیقات تاریخ اجتماعی, ۱۱(۱):۲۷۷-۲۹۲.

DOI:Shc.۱۰,۳۰٤٦٥/۲۰۲۱,۳٦۷۱٥,۲۲۳۱

موحد، محمدعلی (۱۳۹۳). خواب آشفته نفت از قرارداد دارسی تا سقوط رضاشاه. تهران: نشر کارنامه.

اطاق تجارت، شمارهٔ ۸۶، اردیبهشت ۱۳۱۳.

صورت مذاکرات مجلس هشتم، جلسهٔ یازدهم.

وحید مازندرانی، غ (۱۳۱۶). اقتصاد ملی و سیاست اقتصادی ایران.

وزارت اطلاعات، نفت ایران از دوران امتیازات تا حاکمیت، مالکیت، مدیریت و کنترل مطلق (تهران: وزارت اطلاعات، ۱۳۵۲)

Butler, Rohan: *British Policy in the Relinquishment of Abadan in 1951*, Foreign Office, September 1962.

Bahrier, Julian *Economic Development in Iran1900- 1970* Oxford University Press Oxford, ۱۹۷۱.

Liaquat ,Ahamed ,۲۰۰۹. *Finance of Lords :The Broke Who Bankers The* capital and state :chapter :٦۹ page In .Press University Newbridge . *World accumulation* ۱۹۲۱- ۱۹٤۱.

(British Petroleum (BP *Archive, ARC H* ۲۳/۱٦ *and* ٤۳۰۸.

Fesharaki Fereidun(1976) :*Industry Oil Iranian the of Development* Aspects Domestic and International

Keddie, Nikki (1981): *Modern Iran, Roots and Results of Revolution*. first published 2003 by Yale University Press. This Updated Edition published 2006 by Yale University Press.

Moghadam ,G .R ,۱۹۷٥.. *policy and economic Iran foreign trade*" .University Stanford .thesis .D .Ph .*"development in the inter war period*

The .Riel van Arthur and Horsewood Nicholas ,Dimsdale .H Nicholas .۸۰۸-۷۷۸.pp ۲۰۰۶ .Sep) ۳ .No ,٦٦ .Vol .*Journal of Economic History* Press University Cambridge :By Published .(pages ۳۱)
development and economics international in studies special PraegerNew York: Prager, 1976.
he Soviet Union and the Iran: Soviet Policy in Iran T ..۱۹۸۱Miron ,Rezun *from the Beginnings of the Pahlavi Dynasty Until the Soviet Invasion in 1941* ,publishersTipton international Noordhoff & Sijthoff :Geneve .. . ۱۹۳۹-۱۸۹۰ Europe of History Social and Economic An ..۱۹۸۷.B .Frank ..Press University Hopkins hnsJ :Baltimore
An Analysis of the Labor Market, :Unemployment in Interwar Germany *University Press 1927-1936.*
.*Oil, state and industrialization in Iran* .۱۹۹۰Karshenas, Massoud .(۱۹۹۰) New York, Cambridge University Press.Cambridge
R.W. Ferrier, The History of the British Petroleum, Vol. 1,
The Developing Years 1901-1932 (London: Cambridge University Press, 1982); J.H. Bamberg.
Vneshnyaya Politika, Documenty(uneshney politiki SSSR. XXI : 230)
,*Economic development in Iran* .۱۹۷۱Julian ,Bharier*1900-1970* .
:UK ,Oxford